

آکسسوار

می‌شوند برداشت عمومی مردم از آنها و هم سن و سال هایشان موجوداتی بی‌مصرف که همیشه سرشان توی بازی و گوشی و تفریح است باشد.

احتمالا واژه‌ای که تیترا این بخش از متن شده را شنیده‌اید ولی برای کسانی که ممکن است ندانند، توضیح می‌دهم که در نمایش و فیلم و خلاصه تولیدات هنری از این دست، یک سری لوازم وجود دارد که مثلا در صحنه تئاتر یا فیلم و سریال مورد استفاده قرار می‌گیرد. از شمشیری که در دست بازیگر نقش تاریخی می‌بینیم تا تک‌تک لوازم یک اتاق در یک فیلم.

اهل هنر معتقدند اگر وسیله‌ای را در صحنه قرار دادی باید حتما در جایی مورد استفاده هم قرار بگیری. ولی خب حتما قبول دارید که برخی وسایل هم صرفا جهت پر کردن فضا استفاده می‌شوند و نقش جدی ندارند. مثلا در یک اتاق، هم مبل و تلویزیون هست هم قابل عکس و آینه و حتی گلدان. حالا ممکن است طراح صحنه برای این که آن اتاق طبیعی یا زیباتر به نظر برسد در طول فیلمبرداری یا نمایش، هیچ استفاده خاصی از آن لوازم نکند.

از وقتی موج فعالیت در حوزه نوجوان یکباره شکل گرفت؛ خیلی از مجموعه‌ها دیدند هم می‌توانند پزش را بدهند و هم حس کردند بالاخره یک میدان بکر و جدید است و می‌شود از آن پول درآورد. برای همین با سیل گسترده‌ای از مجموعه‌ها و فعالان فرهنگی و غیرفهرنگی مواجه شدیم که آمدند وسط میدان و خواستند قلمرو نوجوانان را تسخیر کنند.

همین ناآگاهی و بی‌تجربگی شان هم کار دست نوجوان‌ها داد. مثلا فکر می‌کردند برنامه نوجوانانه برنامه‌ای است که نوجوان‌ها در آن حضور داشته باشند. برای همین برنامه‌های چندصد هزار نفره راه می‌انداختند که نوجوان‌ها بیایند توی آن فضا را پر کنند. گرچه یک جوالدوز به دیگران زدیم یک سوزن هم باید به قشر قابل توجهی از خود نوجوان‌ها زد که باعث

بهانه سالگرد تولد هفته‌نامه نوجوانه

بدون قلمرو

را بگذاریم زیر ذره بین، اسلحه را به سمتش گرفته‌ایم و مدام مجبور می‌کنیم جزیره تنهایی اش. نوجوان را می‌گوییم؛ از نادیده گرفتنش در جامعه و خانواده هیچ سلیقه‌های رفتاری در مدرسه و تعامل با معلمان تا فامیل، خلاصه نوجوان قلم، دهخدا می‌گوید تا هر جایی که پادشاه قلم و امورش کارگشا باشد، قدیم‌ترها ای ما اعضای تحریریه، دغدغه‌ها و مطالبات نوجوانان اهمیت دارد؛ اما اصولا مهم‌تر از همه خودشان!



من اینجا بدون تو!

یک وقت برای این که کسی را مورد توجه قرار ندهیم و خلاصه آدم حسابش نکنیم لازم است او را از جایی که هستیم بیرون کنیم یا اصلا راهش ندهیم. مدیری را فرض کنید که اجازه ورود یک کارمند یا حتی ارباب رجوع را به داخل اتاقش ندهد. معنی این عمل کاملا روشن است و همان بی‌توجهی که عرض شد مد نظر اوست.

درباره نوجوان‌ها وقتی صحبت از این کردیم که مثلا به یک پسر یا دختر ۱۶ ساله اجازه نمی‌دهیم وارد دایره رای دهندگان شود؛ یا خیلی ساده‌تر، به بهانه‌ای از یک محفل بزرگسال خارج می‌کنند، همین بی‌توجهی صورت گرفته و خلاصه قلمروش کوچک‌تر شده است. ولی یک مدل بی‌رحمی و بی‌توجهی دیگر هم دارد در مورد این نسل اتفاق می‌افتد. مثلا نوجوان ممکن است برای خودش یک اتاق داشته باشد که اگر پدر و مادر ترجیح بدهند در طول شبانه روز یک بار هم به فرزندشان سر نزنند و این هم خودش بی‌توجهی است. شما وقتی به مغازه‌ای در محله‌تان نمی‌روید باز هم قلمرو او را کوچک کرده‌ای چون داشته‌هایش بی‌اثر شده‌اند.

بگذریم که خیلی از بزرگ‌ترها و والدین نه از فضای مجازی و دنیای پیچیده‌اش آگاهی درستی دارند؛ نه دنیای بازی‌ها و استریم و امثال آن را می‌شناسند و نه حتی از پاتوق نوجوانشان در فلان کافه خبر دارند.

شاید برای همین است که وقتی ما در تحریریه نوجوانه که دور هم فکر می‌کنیم و حرف می‌زنیم، به واژه «برمودا» می‌رسیم. جزیره‌ای که حتی برخی از اسامش هم هراس دارند و تقریبا نه کسی متولی آن می‌شود و نه کسی جرات نزدیک شدن به آن را دارد. جایی شبیه قلمرو نوجوانان خودمان. حالا نوجوان‌ها که عاقبت گلیم خودشان را از آب بیرون می‌کشند ولی خب تهش می‌شود این که هر از گاهی اقدام یک یا تعدادی نوجوان کلاه از سر بزرگ‌ترها ببندازد و از خواب بیدارشان کند!

هم نبوده و کارهایی که برایش انجام می‌شده زود بازده و بدون برنامه‌ریزی و آگاهی درست و برای رد کردن گزارش‌های دهن پرکن به بالاسری بوده، حالا به سن قانونی رسیده و رایش مهم شده است.

در بازه سال ۷۹ تا ۸۵ واجدین شرایط برای رای‌گیری از ۱۵ سال به بالا بودند و باید بررسی کرد این تصمیم مجلس چه سود و زیان‌هایی به همراه داشته اما حوالی سال ۸۷ تا ۸۸ هیات دولت وقت لایحه دو فوریتی را تصویب کرد که سن قانونی برای رای دادن دوباره از ۱۸ به ۱۵ سال کاهش پیدا کند.

لایحه‌ای که اگر اجرایی می‌شد احتمالا نه تنها بحث نوجوان را در اولویت جامعه، رسانه، سیاست و... قرار می‌داد بلکه او را هم نسبت به اتفاقات کشور و روی کار آمدن اشخاص برای کرسی‌های مهم ریاست حساس می‌کرد و از لایه نادیده گرفتن به یک کنشگر مهم و فعال دغدغه‌مند تبدیل می‌شد. نوجوان در فضای اجتماعی و سیاسی کشور فقط در بزنگاه‌هایی مهم می‌شود که یادسته گل بزرگی به آب داده و شده است هلیای قمه‌کش که باید برایش ابراز نگرانی کرد یا قرار است کمک کند از آب گل آلود ماهی صید شود.

